

بررسی و نقد دو کتاب تاریخ

سامانیان در ایران و تاجیکستان *

به مناسبت هزار و صدمین سال تاسیس دولت سامانی - شهریور ۷۸

دکتر لقمان بایمت‌اف
(آکادمی علوم تاجیکستان)

ترکمستان کنونی را دربر می‌گیرد. چنانکه ذکر شد مفهوم تاریخی و جغرافیایی خراسان و ماوراءالنهر که در تالیفات اخیر وی از این منطقه آمده است، مفهوم وسیع‌تری یافته است.

دکتر نعمت‌اف در کتاب تازه خود تاجیکان، تاجیکستان تاریخی، تاجیکستان معاصر مفهوم جدید، یعنی «تاجیکستان تاریخی» را به کار برده است و مشخص آگاه به زودی درک می‌کند که بین عبارات تاریخ تاجیکان و تاجیکستان تاریخی تفاوتی هست و این تفاوت برای تاریخنگاری اهمیت زیادی دارد. (۵)

در عبارت تاریخ تاجیکان، منظور نگاه علمی دقیق به تاریخ و روزگار گذشته مردم تاجیک بوده و از این لحاظ، مطالب، جنبه تاریخی را دربر گرفته است ولی در عبارت بعدی، یعنی مفهوم «تاجیکستان تاریخی» هرچند که آن مضموناً تاریخ مردم تاجیک را شامل می‌شود اما، هدف اصلی مؤلف نگاه علمی از نظر جغرافیای تاریخی نسبت به تاریخ مردم تاجیک می‌باشد و عیناً، به گفته مؤلف کتاب «تاجیکستان تاریخی برای افاده حدود زیست مردم تاجیک در گذشته‌ها مفهوم خالصانه، تاجیکستان تاریخی را پیشنهاد می‌کنیم که این منطقی حقیقت تاریخی را برقرار و نخستین تاجیکان را معین می‌کند.» (۶)

همین شیوه نعمت‌اف بی‌شک پایه‌گذار مفهوم جدید علمی در تاریخ‌نگاری و جغرافیای تاریخی شد و این اندیشه نوین در روند کنونی فلسفه تاریخ نیز سهیم‌ارزنده‌ای خواهد داشت. (۷) چنان‌که ذکر شد تالیف کتاب دولت سامانیان قبل از همه نتیجه تلاش زیاد مؤلف در زمینه باستان‌شناسی و از مهمترین خلاصه‌های علمی راجع به مسائل تاریخ و جغرافیای تاریخی شهرهای آسیای مرکزی است. از این رو اثر مذکور تحقیق ارزنده‌ای در باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی شهرهای عهد سامانیان می‌باشد.

با یک نظر می‌توان مشاهده کرد که صفحات کتاب نسبت به منابع خطی از استاد باستان‌شناسی فراوانتری بهره برده است. عمده بخش‌ها و فصول تالیفات نعمت‌اف مسائل تاریخی تمدن دوره سامانیان به‌خصوص حیات شهری و ولایات ماوراءالنهر را شامل شده‌است. از این جهت بخش‌های ساختاری شهرهای ماوراءالنهر از قبیل بخارا و سمرقند، پنجکنت و استروشن و چاچ و غیره بغایت جالب بوده و تقریباً در شرح جغرافیای تاریخی هر یک از این شهرها از نتایج حفريات باستان‌شناسی مؤلف استفاده شده‌است.

در این کتاب جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی سرزمین‌های ماوراءالنهر و خراسان در زمان سامانیان به‌طور مجزا بررسی و نوشته نشده است بلکه آنها به نوعی در پیوند با یکدیگر و پیوند با مسائل تاریخ و جغرافیای تاریخی، گاه مختصر

کتاب دولت سامانیان اثر نعمان نعمت‌اف از بهترین و معروفترین تالیفات تاریخی است که نه تنها در سلسله تحقیقات خود مؤلف، بلکه در مجموعه دستاوردهای علمی جمهوری تاجیکستان قرار دارد. (۱) این اثر تاکنون دومرتبه به چاپ رسیده است: بار اول به زبان روسی در سال ۱۹۷۷ م. (۲) و بار دوم به زبان تاجیکی در سال ۱۹۸۹ م. که در مجموع بیش از بیست و شش هزار نسخه به چاپ رسیده است. (۳)

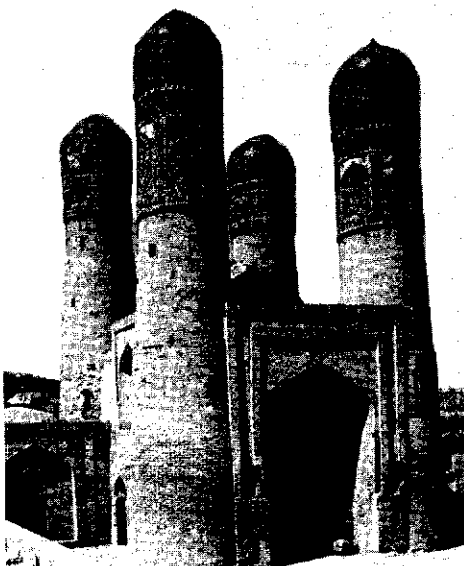
احتمالاً در بین آثار تاریخی از لحاظ تعداد نشر، کتاب دولت سامانیان پس از کتاب تاجیکان آکادمیسین باباجان غفوراف جای دوم را اشغال کرده است. البته از یک سو تعداد زیاد چاپ کتاب مذکور بسته به اهمیت و جالب بودن موضوع تاریخی آن می‌باشد و از سوی دیگر تالیف دولت سامانیان پس از تالیفات و.و.یا تولدا، یو.یکوبوسکی (A. yu. yakubovsky) و باباجان غفوراف در مورد مسائل تاریخی دولت سامانیان، اقدام برجسته‌ای بود. (۴) و نباید فراموش کرد که کتاب نعمت‌اف در علم تاریخ‌نگاری شوروی سابق از جمله تحقیقات ویژه و شاید نقطه عطفی در نوع خود محسوب می‌شود.

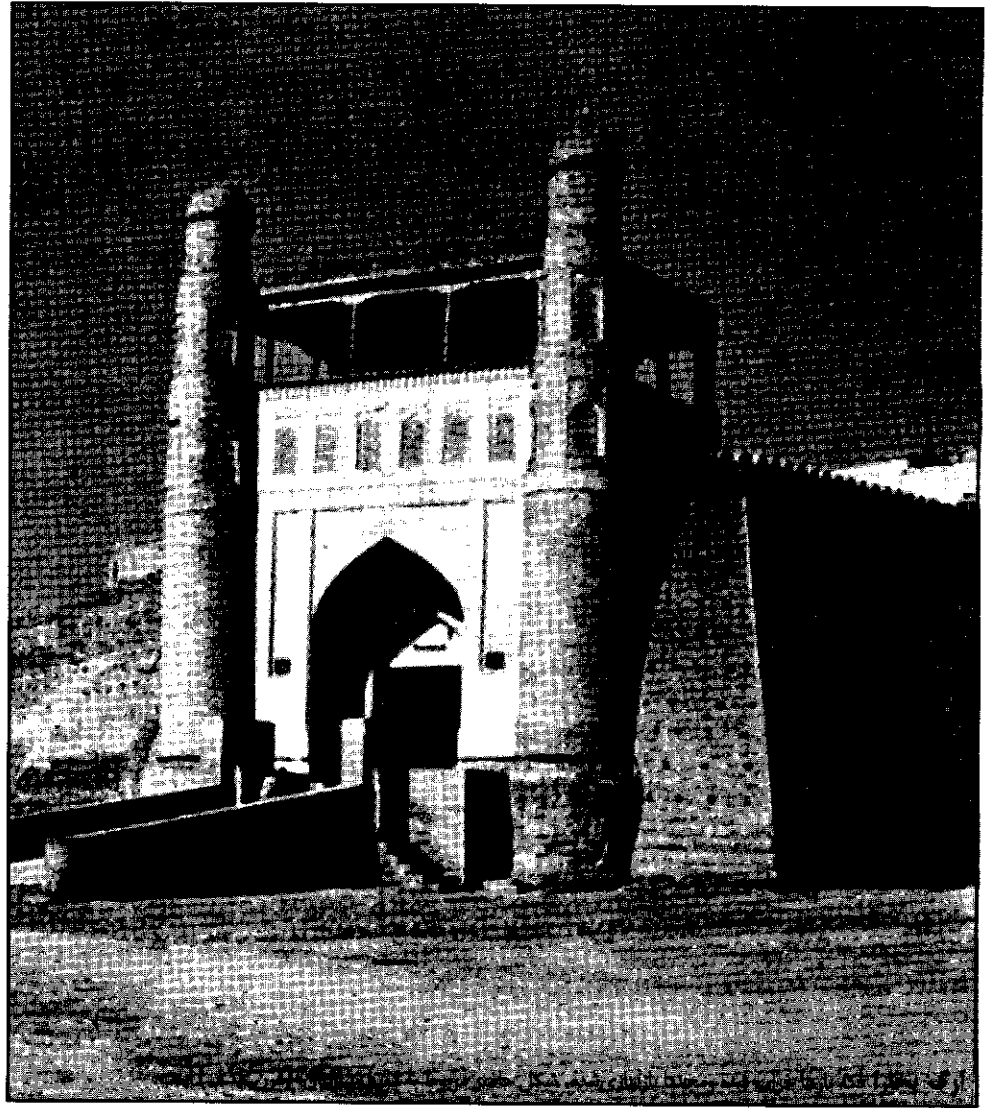
کتاب دولت سامانیان نعمان نعمت‌اف در ابتدا به زبان روسی نوشته شده بود و عنوان مفصل کتاب دولت سامانیان، ماوراءالنهر خراسان در عصرهای ۸-۱۰ م. بود، این کتاب چنان‌که ذکر گردید با عنوان دولت سامانیان، تاجیکان در عصرهای ۸-۱۰ م. به زبان تاجیکی ترجمه گردید که ماهیتا این نامگذاری به یکدیگر نزدیک است، اما بعداً خواهیم دید که نام صحیح‌تر آن از نظر ما: «تاجیکان در زمان سامانیان» و یا «ماوراءالنهر در قلمرو سامانیان» است زیرا در این تالیف مسئله تاریخ و فرهنگ مردم تاجیک و شکل‌گیری آن در قرون ۶-۹ م. اساساً در محدوده جغرافیای ماوراءالنهر بیان شده ولی مسئله تاریخ و جغرافیای تاریخی ولایت خراسان به‌معنای وسیع تاریخی خود، یعنی همان خراسان بزرگ مفصل تحقیق نشده است.

مفهوم ماوراءالنهر که نعمت‌اف در این کتاب آورده بیشتر به معنی اصلی و تاریخی خود که در آثار جغرافیدان‌های قرون وسطی مذکور بوده، استفاده شده‌است و آن شامل ولایات میان دو رود سیحون و جیحون بوده اما این مفهوم به معنی محدودش استفاده شده، یعنی مؤلف در نوشته‌های خود ولایات خوارزم و فرغانه را بیرون از حدود ماوراءالنهر تاریخی دانسته است.

سرزمین خراسانی که در این اثر به آن توجه شده‌است نه به معنی خراسان بزرگ، بلکه به معنی محدود آن آمده و آن اساساً حدود شمال شرقی ایران کنونی و ولایات جنوبی جمهوری

بخارا - چهار منار - باقیمانده یک مدرسه بزرگ





ایران در زمان سامانیان

(تاریخ سامانیان از آغاز تا سلطنت نصر دوم)

نویسنده: جواد هروی

مقدمه: دکتر محمد اسماعیل رضوانی

نشر نون: مشهد

میدان سعدی، بازارچه کتاب - تلفن: ۵۵۱۶۸

و گاه مفصل توصیف و شرح داده شده اند اما در مجموع این اطلاعات برای آشنایی با حیات اقتصادی شهرها مفید و ارزنده می باشند. تحقیق دامنه دار پروفسور نعمت‌اف بار دیگر ثابت نمود، که مورخین از مسائل جغرافیایی بی نیاز نیستند و در حقیقت توجه نویسنده به عوامل و عوارض جغرافیایی بسیار زیاد بوده و این مسئله اعتبار اثر را بیشتر نموده است. چنانکه معلوم است یکی از موضوعات علم جغرافیای تاریخی، تحقیق و آموزش عوامل جغرافیایی است که باعث دگرگونی محیط زندگی و حیات شهری و روستایی و عموماً مناطق انسانی می گردد. این مسئله مهم تاریخی و جغرافیایی در کتاب دولت سامانیان به خوبی مطرح شده و مؤلف توانسته است مسائل تاریخی روستاها و شهرهای آسیای مرکزی را از دیدگاه جغرافیایی تحلیل کند. همچنین نعمت‌اف به عنوان دانشمند علم جغرافیای قدیم نشان داده است که بسیاری از شهرها و دهکده‌های ماوراءالنهر و خراسان به مرور زمان بایش آمدن تحولاتی جای خود را به نقاط دیگر داده و بعضی از آنها به کلی از میان رفته و یا از نقشه جغرافیایی حذف شده اند. حوادث طبیعی از قبیل ریزش باران، سیلابها، خشکسالی‌ها، قحطی‌ها، دگرگون شدن کانال‌ها و ... که محیط جغرافیایی را تغییر می دهند مورد توجه وی قرار گرفته است. مؤلف سعی کرده

در پیوستگی تاریخ سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی از وضع ولایات و مناطق مختلف بر حسب موقعیت‌های گوناگون تاریخی بحث نماید. پروفسور نعمت‌اف در مسائل تاریخی محل‌ها را از دیدگاه علم جغرافیای تاریخی بررسی کرده و عوامل جغرافیایی و تاریخی را عامل بروز بسیاری از حوادث دانسته است. در رابطه با این موضوع او بیشتر به نتایج حوادث سیاسی از قبیل، جنگ‌ها و حملات بیگانگان به سرزمین آسیای مرکزی توجه نموده است. مؤلف تغییر یافتن محیط جغرافیایی را به عنوان مهم‌ترین عامل دگرگونی حیات اقتصادی و اجتماعی قلمداد کرده است. از اینجاست که نشو و نما و یا از میان رفتن بیش از صد شهر و دویست و پنجاه روستا را مورد توجه قرار داده است.

پروفسور نعمت‌اف می نویسد که در برابر پیروزی‌های فتوادی و گسترش اسلام ساختار نوین شهرهای قرون وسطای آسیای مرکزی به تمامی شکل گرفت. دستاوردهای باستان‌شناسی شوروی سابق در جمهوری‌های آسیای مرکزی نشان می‌دهد که بنیاد عمومی و سنتی شهرهای antique و ابتدایی قرون وسطی و همچنین طرح‌های محلی و نامگذاری آنها در شهرهای آسیای مرکزی در زمان سامانیان و بعد از آن حفظ شده است. ولی با وجود این بقایای دوران گذشته، تغییرات جدی در زمینه شهر و شهرسازی بوجود آمد.^(۸)

در این دوره شهرها در قسمت‌های تجارت و پیشه‌وری پیشرفت زیادی کردند و بناهای مختلف در بازارها، منازل و خانه‌های پیشه‌وران و همچنین مکانهای تخصصی از قبیل چرم‌گران، زرگران، آهن‌گران و ... گسترش یافته و بعضی از شهرهای ولایات ماوراءالنهر و خراسان با بزرگی بازارهای خویش شهرت جهانی پیدا کردند.

در شهرها بناها و ساختمان‌های زیاد و منازل اهل شهر نه تنها در حدود شهر بلکه در بیرون از شهر ستانهاییز وسعت یافت و به تدریج باعث پیدا شدن رباط‌های جدید شدند، شهرهای این دوره عبارت از سه قسمت اساسی بودند: کهن‌دژ، شهرستان و رض. کهن‌دژ: قسمت مرکزی و قدیمی شهر که محل استقرار امرا بود. شهرستان: در این قسمت پیشه‌وران و بازرگانان تجمع یافته و ساختمان‌های مردم وجود داشت. رباط نیز قسمت بیرونی شهر بود، که آنجا کشاورزان کار و زندگی می کردند.

قابل ذکر است که مسئله تغییر یابی حدود شهرها، قلعه‌ها، حصارها، نمود ظاهری شهر و خراب شدن راه‌های کاروانی و آشنایی با معیشت شهرنشینان و روستائیان، عادات و رسوم محلی آنها، حرفه و شغل مردمان، مناسبات کشاورزان و بادیه‌نشینان و امثال اینگونه مسائل در کتاب دولت سامانیان به خوبی مطرح شده است. مشاهده‌های نعمت‌اف نشان می‌دهد که تجمع گروه‌های انسانی و شکل‌گیری روستاها و شهرها حاکی از اوضاع جغرافیایی محیط بوده‌اند. نویسنده در این کتاب در بررسی و مطالعه جغرافیای تاریخی شهرها، وسعت و مسافت میان شهرها و روستاها را معین نموده و خاطر نشان کرده که بسیاری از حوادث تاریخی متأثر از عوامل جغرافیایی بوده است. به طوری که وی دلایل بسیاری آورده و ثابت کرده است راه‌های کاروان و نظیر جاده قدیم ابریشم یکی از عوامل اساسی رشد اقتصادی و اجتماعی شهرهای ماوراءالنهر و خراسان عهد سامانیان بوده است.

از این لحاظ تالیف جغرافیای تاریخی ولایت سغدیه خصوص استروشنه از مهم‌ترین کارهای علمی این محقق است. از تحقیقات نعمت‌اف در می‌یابیم که شهرهای بخارا، سمرقند، مرو، گرگانج،

نیشابور، فرغانه، بلخ و خجند از مهم‌ترین شهرهای تاریخ‌ساز ممالک شرقی اسلامی بوده‌اند. قابل توجه آنکه محقق هنگام تحقیق خویش به خصوص در مسائل جغرافیای تاریخی روش‌های علمی نظیر کارهای میدانی، متدهای تاریخی و آنالیز مقایسه‌ای و همچنین متدهای جدید آماری، ریاضی و جغرافی را به خوبی به کار برده است. تحقیق نعمان نعمت‌اف را یکی از بهترین کامیابی‌های علم جغرافیای تاریخی در زمینه شرق‌شناسی می‌توان نام برد.

در این کتاب همچنین به عوامل رشد کشاورزی و اهمیت آبیاری، تاریخ سربندها، پل‌ها، کاریزها و جوی‌ها و... هم توجه شده است. مؤلف تأثیر تولیدات معادن را بر اقتصاد ولایات ماوراءالنهر و خراسان مورد بررسی قرار داده و آنها را به عنوان یکی از عناصر اساسی در سیستم اقتصاد دولت سامانیان معرفی می‌نماید. روشن است که تجارت داخلی و خارجی در ولایات ماوراءالنهر و خراسان در عهد سامانیان رواج و رونق بسیاری یافته بود و تقریباً تمام شهرهای بزرگ و کوچک و حتی روستاهای دورافتاده از طریق راههای کاروانی در مناسبات تجاری کشور شرکت داشتند. نویسنده در جهت تأیید نظریاتش در این خصوص اسناد فراوان باستان‌شناسی ارائه کرده است.

در کتاب مورد نظر از روستاها و مناطقی که منسوب به زمان سامانیان بودند و در بسیاری از آنها نویسنده در طی چند سال حفریاتی داشته است به تفصیل سخن گفته و اطلاعات جامعی درباره عوامل رشد و دلایل زوال هر شهر و روستا را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.^(۹)

بخش جداگانه کتاب دولت سامانیان در مورد حیات اجتماعی قرون ۹-۱۱ م. (۳-۴ ه.ش) است.^(۱۰) در این بخش مسئله استوار گردیدن ساخت فئودالی و شدت گرفتن ضدیتهای طبقات جمعیتی روستاها و شهرها از جمله موضوعات اصلی مورد تحقیق است. متذکر می‌شود که در این فصل با توجه به قسمت‌های دیگر کتاب، به اندیشه‌های فلسفه تاریخی مؤلف می‌توان راهبرد. پروفیسور نعمان نعمت‌اف در این کتاب از دیدگاه فلسفه و اندیشه مونیستی به بررسی و تحقیق پرداخته و در تحلیل مسائل اجتماعی قرون وسطای آسیای مرکزی، از محققین شوروی سابق و بیش از همه استادانش و.ویار تولد و آ.یو.یاکوبوسکی پیروی کرده و در بسیاری موارد اندیشه‌های ایشان را کامل نموده است. مؤلف بسیاری از مسائل تاریخ اجتماعی زمان سامانیان را بر طبق نظریه طبقاتی (Class) مورد بررسی قرار داده است که این دیدگاه مؤلف قابل بحث و بررسی است. امادر اینجا مجال شرح و بیان آن نیست. فقط خاطر نشان می‌کنیم که عمده توجه مؤلف در مسائل حیات اجتماعی، تکیه بر تشدید تضاد طبقاتی بوده است.^(۱۱)

مسئله انقراض و فروپاشی دولت سامانیان که از جمله موضوعات مهم تاریخ به شمار می‌آید در اثر مذکور بسیار خوب ارزیابی شده است. اغلب محققین شوروی انقراض این سلسله را آشفتنگی و اوضاع بد اقتصادی، به خصوص در بخش کشاورزی و گسترش نظام فئودالیسم، نزاع و درگیری میان افراد بر سر قدرت و نیز عوامل بیرونی، نظیر تاخت و تاز بادیه‌نشینان ترک و ضدیته حاکمان مرکزی با شهر و ولایات تابعه دانسته‌اند.^(۱۲)

این عقیده را نعمان نعمت‌اف هم پذیرفته و نیز تأکید می‌کند که در هر صورت عامل اساسی فروپاشی دولت سامانیان دور بودن پادشاهان سامانی از زیردستان و قبل از همه کناره‌گیری ایشان از طوائف حمتکش شهر و روستا بوده است. در رابطه با این مسئله

نعمان نعمت‌اف می‌نویسد که تضاد طبقاتی موجود در حکومت سامانی موجب شد که طبقه حاکم از هر گونه حمایت و پشتیبانی مردمی محروم بماند به طوری که در جریان حمله قراختانیان ترک به قلمرو سامانیان، نه تنها روحانیون، اعیان و اشراف بخاراهبیچ‌گونه حمایتی از خاندان سامان نکردند، بلکه به‌هنگام تصرف شهرهای اساسی سامانیان توسط قراختانیان ترک، اعیان و اشراف شهر بخارا و روحانیان مقاومت نکردند و بدین علت سامانیان در مدت کوتاهی از بین رفتند.

از جمله مسائل مورد بحث در تاریخ مسئله ساختار دیوانی و اناری حکومت‌ها می‌باشد. در این مورد مؤلف کتاب دولت سامانیان به این نکته نیز توجه خاصی داشته است. از دیدگاه پروفیسور نعمان نعمت‌اف دولت سامانیان از نمونه دولت‌های فئودالی شرق محسوب می‌شود. حیات فرهنگی ماوراءالنهر و خراسان در قرون ۹ و ۱۰ م. (۳ و ۴ ه.ش) در این کتاب به طور مختصر ولی بی‌دری با روش خاصی مطرح شده است.^(۱۳) به طوری که در زمینه‌های فرهنگ معماری، نقاشی و سایر هنرها مباحثی آورده شده است. مؤلف در این بخش به عنوان یک باستان‌شناس به بررسی آن پرداخته است. در این قسمت نیز عمل تحقیق مؤلف بیشتر همچون باستان‌شناس نمودار گردیده و در ضمن بیان آن سعی نموده که مختصراً خدمت بیش از ۲۵۰ نفر از علما، دانشمندان، شعرا و مشاهیر آن عهد را در اثر خود ذکر نمایند.^(۱۴)

جنبه‌های دیگر حیات فرهنگی این سده (۳-۴ ه.ش) از جمله شاخه‌های مختلف دانش مانند ریاضیات، نجوم، جغرافیا، کیمیا، طب علم انسانی، فلسفه، فقه، تاریخ و ادبیات، صنعت (هنرهای زیبا)، موسیقی و غیره نیز توصیف و تشریح شدند. با این همه مؤلف توانسته است اساسی‌ترین نکته‌های مربوط به حیات فرهنگی عهد سامانیان را نشان دهد. این بخش هر چند که مختصر است، ولی مضمون و محتوای اثر را غنی کرده است.^(۱۵)



از دیگر تالیفات مربوط به تاریخ سامانیان کتاب ایران در زمان سامانیان تألیف آقای جواد هروی می‌باشد.^(۱۶) در مورد اهمیت این کتاب و مؤلف آن در کشور تاجیکستان بسیار گفته‌اند و خوانندگان بسیار از آن استقبال کردند. تاجایی که گفتی است این دومین کتاب

بعد از کتاب دولت سامانیان اثر نعمت‌اف است که در مورد تاریخ سامانیان در تاجیکستان بخش گردیده است. برعکس کتاب دولت سامانیان آکادمیسین نعمان نعمت‌اف که زبان و سبک بسیار تخصصی و تحلیل‌ها و اندیشه‌های علمی و آکادمیک است، اثر جواد هروی با زبانی سلیس ولی تحلیل‌های ساده و همه فهم نگاشته شده است. از این رو این کتاب در بین مردم که احساس محبت به تاریخ و فرهنگ مشترک ایران و تاجیکستان دارند دست به دست شد. در این زمان که یادبود هزار و صدمین سالگرد دولت سامانیان و دوام «تجیب‌الاصل و جلیل‌القدر» آنها می‌باشد و دو دولت ایران و تاجیکستان برای جشن یادبود این خاندان اقدامات دو جانبه‌ای را در نظر گرفته‌اند بررسی کتاب جواد هروی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. در رابطه با این موضوع باید به این نکته اشاره کرد علاوه بر تلاش‌های دو دولت ایران و تاجیکستان، مبلغان اصلی کتاب جواد هروی بیشتر از جمله ادیبان و شاعران و نویسندگان تاجیک می‌باشند نه متخصصان تاریخ و تاریخ‌نگاران. تاجایی که اطلاع داریم نقد مفصل و دقیقی بر این کتاب نوشته نشده است. از اینرو اظهار نظر نسبت به این کتاب خالی از فایده نخواهد بود. قبل از پرداختن به اصل موضوع بجاست نکاتی یادآوری

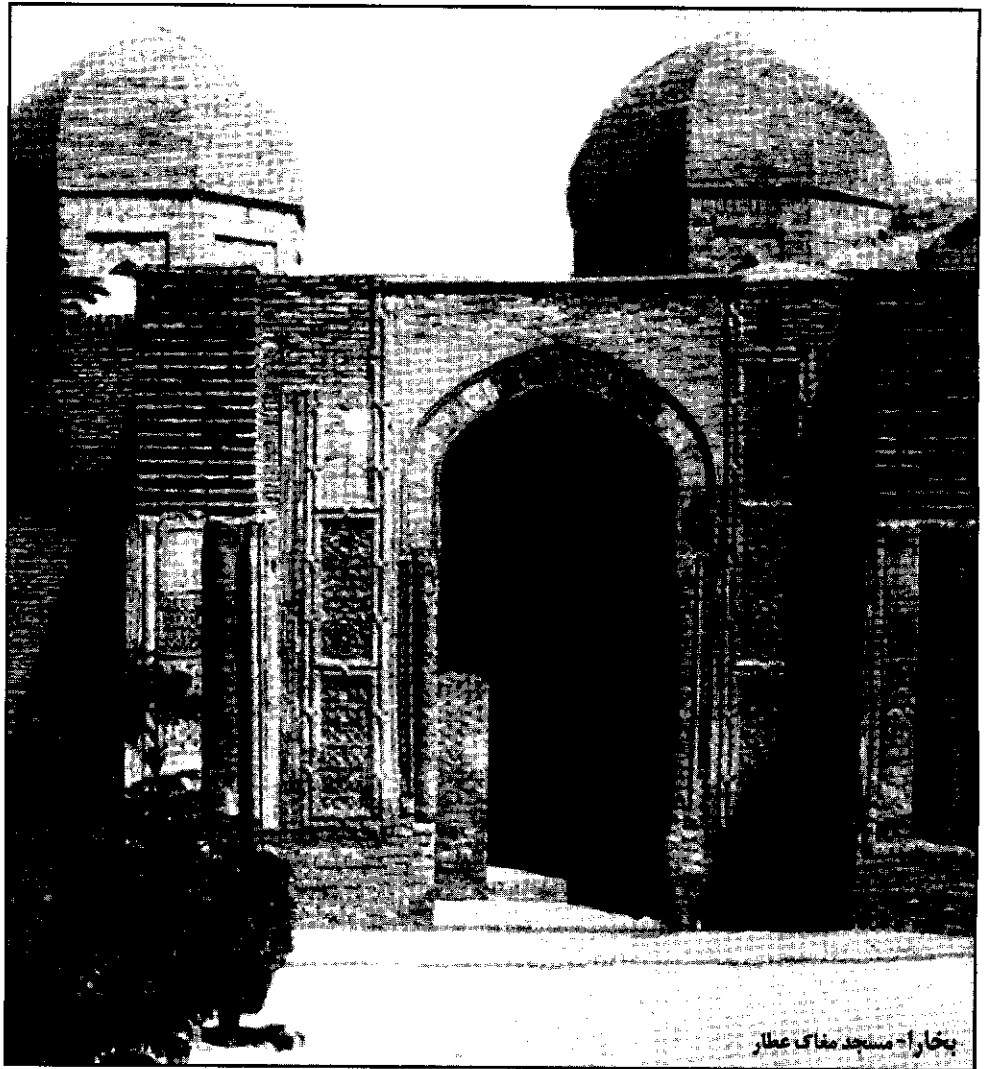
کتاب دولت سامانیان اثر نعمان نعمت‌اف از بهترین و معروف‌ترین تالیفات تاریخی است که نه تنها در سلسله تحقیقات خود مؤلف، بلکه در مجموعه دستاوردهای علمی جمهوری تاجیکستان قرار دارد.

در کتاب نعمان نعمت‌اف مسئله تاریخ و فرهنگ مردم تاجیک و شکل‌گیری آن در قرن ۹-۱۰ م اساساً در محدوده جغرافیای ماوراءالنهر بیان شده ولی مسئله تاریخ و جغرافیای تاریخی ولایت خراسان به معنای وسیع تاریخی خود، یعنی همان خراسان بزرگ مفصل تحقیق نشده است.

صفحات کتاب دولت سامانیان نسبت به منابع خطی از اسناد باستان‌شناسی فراوان تری بهره برده است. عمده بخش‌ها و فصول تالیفات نعمت‌اف مسائل تاریخ تمدن دوره سامانیان به خصوص حیات شهری و ولایات ماوراءالنهر را شامل شده است.

نعمان نعمت‌اف تغییر یافتن محیط جغرافیایی را به عنوان مهمترین عامل دگرگونی حیات اقتصادی و اجتماعی قلمداد کرده است.

مؤلف کتاب دولت سامانیان خاطر نشان کرده که بسیاری از حوادث تاریخی متأثر از عوامل جغرافیایی بوده است به طوری که وی ثابت کرده راه‌های کاروان رو نظیر جاده قدیم ابریشم یکی از عوامل اساسی رشد اقتصادی و اجتماعی شهرهای ماوراءالنهر در خراسان عهد سامانیان بوده است.



کتاب ایران در زمان سامانیان مسائل مهم عصر سامانیان را از طلوع این خاندان تا عهد حکمرانی امیر نصر دوم شامل شده است. اما شایان ذکر است که مسائل مورد بحث نویسنده مباحثی بسیار گسترده می‌باشد. هر چند که خود مؤلف در مقدمه کتاب متذکر می‌شود از آن جایی که این مباحث اولین قدم‌هایی باشد، از نقایص و کمبودها عاری نخواهد بود.^(۱۹) باید متذکر شد که مؤلف با وجود این اذعان در ابتدای اثرش به مسائل بسیار دشوار مربوط به دوره سامانیان پرداخته است. هر چند که نتوانسته بسیاری از سوالات مطرح شده را پاسخ گوید. البته کوشش‌ها و تلاش نویسنده کتاب بی‌نتیجه نمانده است و از یک دانشجوی مقطع فوق لیسانس یا در نظر گرفتن میزان تجربه تحقیقی نمی‌باید در حل بسیاری از مسائل مهم این مقطع توقع بالایی داشت.

نویسنده کتاب هیچ اشاره‌ای به تاریخچه بررسی‌های محققین در موضوعات مطرح شده نکرده است، از مقدمه‌ای که مرحوم دکتر محمد اسماعیل رضوانی بر کتاب نوشته‌اند اینگونه برمی‌آید که هیچ محقق از محققان ایرانی و غیر ایرانی در رابطه با این موضوع تحقیق نکرده‌اند.^(۲۰)

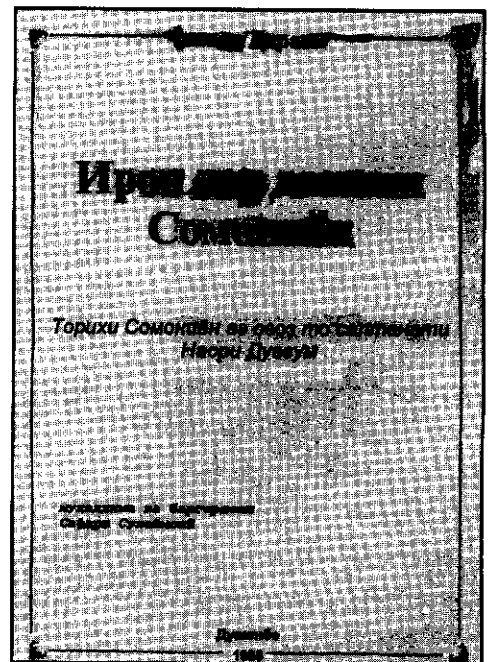
جای تعجب است که نویسنده تاریخچه تحقیق در مورد تاریخ سامانیان را در میان محققین ایرانی نادیده گرفته است. نقد تالیفات محققین ایرانی مانند سعید نفیسی، مهدی روشن ضمیر، رحیم مخدوم، عقیلی عبدالله، عبدالرحیم حقیقت، حبیب‌الله ابوالقاسم، عبدالمهدی بادگازی، سید کاظم روحانی، عبدالقدیم قویم، عزیز الله بیات و بسیاری دیگران که مستقیماً به مسائل سامانیان و تاریخ آن روزگار پرداخته‌اند کمتر توجه داده و یا کلاً از مدنظر دور داشته است و حال آنکه مقالات و نوشته‌های محققین ذکر شده در حقیقت برای تحقیق در دوره سامانیان بسیار مهم به نظر می‌رسد.^(۲۱) نوشته‌های برخی از این محققان مانند سعید نفیسی، دکتر زرین کوب و ذبیح‌الله صفا از لحاظ دستاوردهای علمی و خلاصه‌ها و اندیشه‌های تاریخی و فلسفی البته در مورد تاریخ آل سامان کم‌نظیرند. می‌توان گفت که اثری جدی راجع به تاریخ سامانیان بدون استفاده از این تالیفات به خصوص در ایران نباید صورت بگیرد. و گرنه بسیاری از اندیشه‌ها به عنوان کشفیات جدید علمی مطرح می‌شود. همین محدود بینی مسائل تاریخی باعث می‌شود که محققین در بسیاری از موارد اندیشه‌های محققین گذشته را به نحو دیگری تکرار کنند و این را می‌توان در تحقیق مسائل اصل و نسب آل سامان که در کتاب «ایران در زمان سامانیان» به عنوان مسئله اصلی آن کتاب آمده است خیلی روشن مشاهده کرد.^(۲۲) چنانکه سعید نفیسی درباره درستی نسب‌نامه سامانیان چنین می‌نویسد:

«بینجا، مؤلف تاریخ بخارا، ظاهراً دو اشتباه مرتکب شده است نخست آن که چون سامان - خداه از بلخ آمده و باز بار دیگر حکمرانی بلخ یافته وی را از سامان بلخ دانسته و نه از سامان سمرقند. و حال آن که، حکم به‌ظاهر آن است که اصل ایشان از سمرقند بوده باشد، و اینکه در اوایل قرن دوم هجری اسلام آوردند، قرینمای است بر آن که از ناحیه‌ای دورتر از بلخ بوده‌اند که دیرتر از بلخ به دست تازیان افتاده است. نام وی و لقب وی ممکن نیست از دهی باشد که ساخته است، زیرا همواره در این موارد کسان را به نام جایی می‌خوانند که پیش از آن وجود داشته باشد، یا جایی را به نام کسی می‌خوانند که او آنجا را آباد کرده باشد و نه آن

شود. برخی از محققان تاجیک جواد هروی را به عنوان محقق افغانستانی و برخی هم به عنوان استاد دانشگاه فردوسی مشهد معرفی کرده‌اند^(۱۷) در حالی که جواد هروی نه افغان است و نه استاد دانشگاه فردوسی مشهد، بلکه ایشان پس از فوق لیسانس در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد به عنوان مدرس مشغول فعالیت شده است.

کتابی که زیر عنوان تاریخ ایران در زمان سامانیان نشر یافته است رساله دوره فوق لیسانس نویسنده می‌باشد که چند سال قبل تالیف یافته و اینک بعد از چاپ فارسی به صورت سرلیک در تاجیکستان نیز به چاپ رسیده است.^(۱۸)

هر چند که تالیف جواد هروی «ایران در زمان سامانیان» نام گرفته در حقیقت تاریخ خراسان و ماوراءالنهر است نه ایران. و پوشیده نیست که مفهوم ایران نسبت به خراسان و ماوراءالنهر گسترده‌تر است. این واقعیت باید در انتخاب عنوان کتاب مدنظر قرار گیرد اگر مفهوم ایران در نوشته‌های جواد هروی به معنای جغرافیای سیاسی کنونی باشد پس باید تاریخ سیاسی ولایات غرب را نیز شامل می‌شد و مورد بررسی قرار می‌گرفت و اگر لفظ ایران به معنی تاریخی باشد پس در آن صورت تاریخ جواد هروی که قرون ۳ و ۴ و ۹ و ۱۰ م را دربر می‌گیرد ناقص است.



که کسی جایی را بسازد و نام خود را از آن بگیرد.» (۲۳)
 جواد هروی در رابطه با این مسئله اینگونه عقیده دارد: «پس همانطور که دیدیم منابع تاریخی ما نسبت به روشن نمودن چهره سامان در تاریخ، اطلاعات کافی به دست نمی دهند و تنها از وی شخصیت مردی معتبر از پیروان زرتشت را نشان می دهند که امیر قریه سامان بوده و مورد توجه حاکم خراسان قرار گرفته و مسلمان می شود و دارای اعتبار در ناحیه خویش می گردد. او در این راه از خود لیاقت و کاردانی به خرج می دهد و زمینه برابری دستیابی فرزندانش به قدرت مهیا می سازد. هر چند که نمی توان به گفته بعضی منابع او را راهزن و شبان دانست که نام (خدا) به دنبال اسم وی نشان از امیری وی دارد، و نه بسان بعضی منابع او را هم زمان بامامون عباسی و مسلمان شده به دست مامون بدانیم که این امر یک اشتباه تاریخی تلقی می گردد، زیرا این دو شخص از نظر زمانی با هم فاصله داشته اند.» (۲۴)

از بررسی این دو نظر می توان از میزان اطلاع نویسنده از سابقه یک چنین موضوعی اطلاع یافت.

نکته دیگری که لازم به ذکر است اینکه روش تحلیل مؤلف پیچیده و گاهی نامنظم به نظر می رسد چنانکه از روش های مهم علم تاریخ شناسی (historism) در بسیاری از موارد به خصوص در هنگامی که استفاده از این اصول ضروری است رعایت نشده است. و این نوع تحقیق نه تنها محققین و خوانندگان را در درک درست تکامل تدریجی این یا آن عقیده، حادثه و... یاری نمی دهد، بلکه با مشکلات جدیدی نیز روبرو می سازد به عنوان مثال می توان عقیده جواد هروی در مورد تاریخ مناقشه امیر نصر و اسماعیل را آورد. جواد هروی در آغاز کتاب، گفته های ابن خلدون که تقریباً چند قرن بعد از سامانیان می زیسته را به عنوان دلیل اثبات حرف خود آورده سپس گفته های مورخان و محققان دیگر را که از نظر زمانی به سامانیان نزدیک می باشند آورده. (۲۵) این گونه اصول بحث و بررسی موضوع تقریباً کل اثر را فرا گرفته است. اما علت اساسی سر و صدای بسیاری که در مورد نویسنده در تاجیکستان شده است همان ویژگی روانی زبان و سبک نگارش مؤلف می باشد. هر چند این مسئله که امروزه در تاجیکستان توجه بسیار زیادی به تاریخ سامانیان می شود در این امر بی تاثیر نبوده است. البته باید متذکر شد که نویسنده جوان کتاب جرات علمی کرده است و برخی از مسائل آن ایام از قبیل تاریخ قدرت یابی خاندان سامانی، تاریخ سیاسی دوره حکمرانی امیر اسماعیل سامانی، ارتباط صفاریان و سامانیان و... را خیلی خوب نقل نموده است و این جسارت علمی شایان تقدیر می باشد. هر چند نمی توان منکر توفیق نویسنده در حل و فصل برخی از مسائل مطرح شده، گشت. چنانکه در مورد تاریخچه نسب سامانیان و اوضاع دولت سامانیان در زمان اولین امیران سامانی و ضدیت های امیر نصر و امیر اسماعیل مطالب بالارزشی بیان شده است که می توان این موارد را از نکات با اهمیت کتاب و نیز از توفیقات نویسنده کتاب دانست. کتاب ایران در زمان ساسانیان را پروفیسور صفور سلیمان از فارسی به خط سریلیک زیر نظر پروفیسورس ملا احمداف برگردان کرده است. البته نقد مفصل و علمی این تحقیق در پیش است اما نکته قابل ذکر آنست که بدون شک مترجمان در کار ترجمه کردن متن به خصوص در این روزهای نزدیک شدن جشن یک هزار و صدمین دوره سامانیان زحمت زیادی متقبل شده اند که باید از آنها قدر دانی شود.

توسط همین اقدام نیک، خوانندگان تاجیک بایک تحقیق جدید محقق ایرانی از نزدیک آشنا شده اند. در اینجا لازم است چند نکته در رابطه با مسائل ترجمه متن اشاره کنم: ابتدا ناآشنایی با مسائل تاریخی و تاریخ تاریخننگاری سامانیان باعث شده که مترجم، کتاب، ایران در زمان سامانیان را از کتب مفصل در مورد تاریخ سامانیان معرفی نماید که البته این مطلب صحیح نیست. (۲۶) به نظر چنین می آید که هنگام ترجمه متن از پارسی به تاجیکی مترجم اصول و روش های تاریخی را خوب استفاده نکرده است بهتر آن بود که پیشگفتار این کتاب را محققین و متخصصین تاریخ می نگاشتند. یا نظرات می کردند و توضیحات مفید بر آن می نگاشتند زیرا معلوم است که متن ترجمه شده قبل از همه متنی تاریخی است نه ادبی. کم توجهی مترجم باعث شده که عبارات تاریخی و جغرافیایی و مفهومی از قبیل آقا، خلع، تاریخ و غیره خط سریلیک در شکل غلط نوشته شود (ر.ک: صص ۵ و ۱۳ و ۱۶ و غیره) همچنین اسامی مؤلفین و محققین از قبیل رافع، (ص ۱۳)، عزالدین (ص ۱۵)، بلاذری (ص ۱۹) خردادبه (ص ۲۰) هرثمه (ص ۲۷) همچنین عناوین کتابها از قبیل: مروج الذهب (ص ۱۰) تاریخ آئین (ص ۱۷) ترکستان نامه (ص ۱۷) تاریخ گردیزی (ص ۶۶، ۸۷) و غیره اشتباه نوشته شده یا در اشکال مختلف آورده شود. در کتاب همچنین ارجاعات علمی در صفحات (۹ ارجاع شماره ۲) (۱۰ ارجاع شماره ۱) (۱۱ ارجاع شماره ۳) (۱۲ ارجاع شماره ۳ و ۴ و ۵) (۱۴ ارجاع شماره ۲) (۱۷ ارجاع شماره ۱) (۲۱ ارجاع شماره ۲) (۲۲ ارجاع شماره ۳) (۲۶ ارجاع شماره ۳) (۶۶ ارجاع شماره ۳) (۹۱ ارجاع شماره ۱) (۱۰۰ ارجاع شماره ۲) (۱۰۲ ارجاع شماره ۲) (۱۲۳ ارجاع شماره ۲) (۸۱ ارجاع شماره ۱) (۱۲۵ ارجاع شماره ۴) (۱۴۴ ارجاع شماره ۳ و ۴) (۱۱۷ ارجاع شماره ۱) (۱۵۳ ارجاع شماره ۲) (۱۶۳ ارجاع شماره ۵، ۱) و غیره... به علت عدم وجود یک لغت نامه تخصصی که دارای اطلاعاتی فراگیر باشد کار مطالعه برابری فارسی زبانان تاجیک دشوار نموده است.

علاوه بر این برگرداندن سال های هجری به میلادی که در کتاب مترجم امری لازم بود. به نظر چنین می رسد که این کار مهم نیز متأسفانه انجام نگرفته است. البته موارد بالا به این علت ذکر گردید که در چاپ های بعدی تکرار نشود و نقد تخصصی تر و کلی تر کتاب در جای دیگری آورده می شود. همچنین کتاب ایران در زمان سامانیان جواد هروی را، علی رغم کوشش ها و تلاش هایی که مؤلف انجام داده نمی توان یک کتاب مرجع این دوره دانست. این اثر تنها یک تلاش جدید برای نوشتن تاریخ سامانیان در ایران می باشد.

پی نوشت ها:

- ۱- دزبارة زندگی و فعالیت علمی آکادمیسین نعمان نعمت اف تحقیقات بسیاری نوشته شده است. رجوع شود به: numan negmatovich negmatov. materialii K bibliographii uchyonikh Taddzikistana. Vip 72 .Bibliographiya sostavlenam R .Raddzabovya DushanBe, meros, 1998 (به زبان روسی)
2. negmatov N.N. Gosudarstvo Samanidovma-Verannakhri Khorasan Vix-X VV. Dushanbe, Donish, 1997
- ۳- نعمت اف، نعمان: دولت سامانیان. تاجیکان در

عصرهای ۱۰-۹، ترجمه ع. ولی یوف. محرر: ع. عزیز قولاف. دوشنبه، «عرفان»، صیریلک ۱۹۸۹ (به زبان تاجیکی، به حروف سریلیک)

۴- راجع به اهمیت تحقیقات دانشمندان مزبور ر.ک. به نعمت اف، نعمان، دولت سامانیان، ص. ۴-۱۴-۱۳؛ 5-negmatov N.N. Taddziki istoricheskiy Taddzikistan Sovremenniy Taddzikistan. Gissar, 1992

(به زبان روسی)

همچنین ر.ک. به: نعمت اف، نعمان، تاجیکان، تاجیکستان تاریخی. تاجیکستان معاصر. دوشنبه، ۱۹۹۳. (به زبان تاجیکی، به حرف سریلیک).

۶- نعمت اف، نعمان: تاجیکان، تاجیکستان تاریخی... پیشین ص. ۲۶.

۷- راجع به این مسئله ر.ک. به: بایمت اف، لقمان تاجیکستان تاریخی چیست؟ آموزگار، ۱۹۹۴، شماره ۱۷، ۸ اکتبر، ص. ۶. (به زبان تاجیکی، به حرف سریلیک)

۸- نعمت اف، نعمان، دولت سامانیان، پیشین، ص. ۹۸-۱۱۸.

۹- همان، ص ۱۱۸-۱۰۸.

۱۰- همان، ص. ۱۳۵-۱۱۸.

۱۱- همان، ص. ۱۴۱-۱۲۹.

۱۲- همان، ص. ۱۵۰-۱۴۱.

۱۳- همان، ص ۲۴-۲۵ و نیز ۵۰، ۱۴۹.

۱۴- همان، ص. ۱۸۴-۱۵۰.

۱۵- همان، ص. ۲۳۱-۱۸۵.

۱۶- هروی، جواد: ایران در زمان سامانیان. (تاریخ سامانیان از آغاز تا سلطنت نصر دوم)، مقدمه دکتر محمد اسماعیل رضوانی، نشر نو، مشهد، ۱۳۷۱.

۱۷- نظروف، حقتظر: عوامل عروج و سقوط دولت سامانیان، جنبش، ۱۹۹۸، شماره ۱۰، ص. ۳.

۱۸- هروی، جواد، ایران در زمان سامانیان، تاریخ سامانیان از آغاز تا سلطنت نصر دوم، مقدمه و ترجمه سفر سلیمان، دوشنبه، ۱۹۹۸ (به خط سریلیک).

۱۹- هروی، پیشین، ص ۱۸-۱۷. (چاپ مشهد).

۲۰- همان ماخذ، ص ۷.

۲۱- ر.ک. به:

Bregel, yu. Bibliography of Islamic central Azia. Part I-II. Bloomington, India, 1995
 طبق موضوعات و نیز رجوع شود به کتابنامه ها و فهرست مقالات که در ایران به چاپ رسیده اند.

۲۲- هروی، پیشین، ص ۲۹، ۴۰ (چاپ مشهد)؛ ص ۷ (چاپ دوشنبه).

۲۳- نفیسی، سعید: محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، انتشارات کتابخانه ابن سینا: تهران، ۱۳۶۱، ص. ۳۳۰ (یادداشت، شماره ۱).

۲۴- هروی، پیشین، ص ۳۷ (چاپ مشهد)، ص ۱۲ (چاپ دوشنبه).

۲۵- همان ماخذ، ص ۷۰، ۷۳-۷۴. (چاپ مشهد)؛ ۳۰-۳۳، ۳۴ (چاپ دوشنبه).

۲۶- هروی، پیشین، ص ۴ (چاپ دوشنبه).